

## تحقیقی پیرامون قرعه از منظر فقه امامیه

□ محمد آصف افتخاری \*

### چکیده

آموزه‌های دین غنی اسلام به‌گونه‌ای است که هر نوع بن‌بستی را با طرح برنامه‌ها و دستورات عملی کاملاً عقلانی و منطقی، حل و فصل می‌کند، یکی از راه‌های تعیین‌شده برای حل معضلات، قرعه هست. مسئله قرعه در دو جای از قرآن کریم هم آمده است که با دقت به اینکه این قرعه‌کشی در محضر برخی از پیامبران و اولیاء الهی انجام شده است، به مشروعیت آن در ادیان الهی پی می‌بریم و بر همین اساس، قرعه جزء مسائل مشروع امضایی در اسلام می‌باشد و در شرایطی به درجه و جوب هم خواهد رسید. در باب مشروعیت قرعه در فقه اهل بیت ع، ادله فراوانی اعم از آیات، روایات، اجماع، عقل، اقوال علما و قوانین موضوعه آمده است. مشروعیت قرعه هم شامل مواردی می‌شود که دارای واقع معین و ظاهر مشتبیه می‌باشد و هم آنجایی که در واقع و ظاهر نامعلوم می‌باشد؛ ضمن اینکه در صورتی که موارد قرعه دارای واقع معین باشد، مفاد قرعه لازم العمل خواهد بود و در غیر این صورت، هر چند مقتضای اصل عدم و جوب عمل می‌باشد، اما با اقرار، حقی به وجود می‌آید که تخطی از آن به‌خودی‌خود، جایز نمی‌باشد و در نتیجه باز هم عمل به مفاد قرعه واجب خواهد بود. همچنین هر چند از بررسی ادله مشروعیت به این نتیجه می‌رسیم که در شرایطی که موارد قرعه محرز باشد تمامی مسلمانان می‌توانند اعمال قرعه نمایند و اختصاص به امام (علیه السلام) و نواب ایشان ندارد؛ منتهی برای فرار از تبعات منفی و ایجاد هرج و مرج در جامعه، باید چنین تفصیل داد که در امور عادی از قبیل مسابقات و... قرعه برای همگان و بلکه وظیفه آنان می‌باشد؛ اما در امور مهم از قبیل تعیین والد و ولد و مسائل حقوقی کلان، قرعه‌کشی باید در منظر مراجع ذی‌ربط اعم از دینی و دولتی انجام گیرد. در نهایت باید گفت: مسئله مشروعیت و استفاده از قرعه تنها یک بحث علمی محض نیست؛ بلکه مراجع معاصر تقلید هم عملاً و در موارد فراوانی بهره‌بری از قرعه را کاملاً مجاز دانسته‌اند. بلکه باید گفت در مواردی که قرعه‌کشی ضرورت داشته باشد، به سرحد و جوب خواهد رسید.

کلید واژها: قرعه، فقه، فقه امامیه.

## مقدمه

از آنجایی که دین مقدس اسلام، آیینی است که در مسیر هدایت جامعه بشری، مشی می‌کند و هر نوع بن‌بستی را با طرح برنامه‌ها و دستورات عملی عقلانی و منطقی حل و فصل می‌کند، بنائاً در موضوعات و مواردی که بینات روشن و ادله خاصی وجود داشته باشد از همان تبعیت می‌شود؛ در صورت غیر این صورت، یکی از راه‌های تعیین شده برای داوری و حل مشکلات، معضلات و سردرگمی‌ها، ایجاد قرعه هست که موضوعات متنازع‌فیه، با قرعه تعیین و به آن عمل می‌گردد. ضمن اینکه قرعه، قدمت تاریخی و سابقه بسیار طولانی دارد که در لابه‌لای تحقیق به آن اشاره خواهد شد.

## ۱- تبیین معنای قرعه

### الف) قرعه در لغت

قرعه از ماده (ق. ر. ع) به معنای زدن چیزی بر چیزی دیگر می‌باشد، راغب می‌گوید: «ضرب شیء علی شیء». (راغب، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲، ۶۶۶) و نیز به معنای برگزیده مال، قرعه، سهم، نصیب، قرعه زدن «الْقَاءُ الْقُرْعَةُ» و مانند آن آمده است (مهیار فرهنگ ابجدی عربی، ۲۴۶)

### ب) قرعه در اصطلاح

در تعریف اصطلاحی قرعه آورده‌اند: «انها عبارة عن الاستهداء من الله تبارک تعالی، علی وجه مخصوص عند التحیر و الیأس من الاهتداء بطریق عقلیة او شرعیة» (کریمی، قاعده القرعه، مرکز فقه الأئمة الاطهار، ۱۴۲۰، ۱۱) و نیز در تعریف آن گفته‌اند «هو الاقتراع تعیین المطلوب فی الامور الشرعیة المشتبهة» (نراقی، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام، ۱۴۱۷، ۶۴۰)

## ۲- ادله مشرعیت قرعه

### الف) آیات

استفاده از قرعه در حل امور مشکل و موارد جواز آن، در قرآن کریم هم مطرح شده است. از

جمله آیات مورد استناد مفسرین و فقها، این دو آیه ذیل می باشد:

**آیه اول:** «فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ» (صافات/۱۴۱) در تفسیر این آیه گفته شده است: «أى فقار ع فصار من المغلوبين بالقرعة» (آشتیانی، القواعد الفقهية، ۳، ۱۴۰۳، ۲۱۸) توضیح اینکه: این آیه شریفه بازگوکننده بخشی از زندگی حضرت یونس علیه السلام می باشد. خلاصه ماجرا از این قرار است که: بعد از آن که آن حضرت از هدایت قوم خود ناامید می شود، از درگاه الهی درخواست نزول عذاب می کند، همین که علائم عذاب آشکار می گردد، حضرت، محیط را ترک می گوید ولی به دلایلی، از عذاب خبری نمی شود؛ همین که یونس چنین صحنه ای را مشاهده می کند قهرگونه، پشت به آن دیار نموده سوار کشتی می شود ولی در میانه راه و با پیدایش نهنگی عظیم و یا توقف کشتی، چاره و حل کار را بر انجام قرعه می دانند که در نتیجه فردی را به قید قرعه به دریا اندازند؛ چنین می کنند و هر بار قرعه بنام حضرت یونس درمی آید و او را به دریا انداخته نهنگی وی را می بلعد و ... .

**آیه دوم:** «ماكنت لديهم اذيلقون اقلامهم ايهم يكفل مريم» (آل عمران/۴۴) این آیه در تبیین جریان سرپرستی حضرت مریم علیها السلام می باشد که در تعیین آن زکریا با عده منازعه داشتند، در نتیجه هرکدام آنان اقلام آهنینش را در آب اردن انداختند و در هر بار، قلم زکریا روی آب آمد و در نتیجه چنین قرعه ای، جناب زکریا به عنوان سرپرست و کفیل مریم تعیین گردید.

## بررسی آیات

ممکن است در بدو امر به نظر برسد که آیات مذکور، تنها قرعه را از دایره منهیات و بدعت ها بیرون می کشاند، نه اینکه نگاهی به مشروعیت آن داشته باشد، اما با دقت به این مسئله که این قرعه کشی در محضر برخی از پیامبران و اولیاء الهی انجام شده است که رسالت آنان مبارزه با بدعت ها و نواهی الهی بوده است و آنان هم نه تنها عاملین را سرزنش نکردند، بلکه خود نقش بسیار تعیین کننده ای در ایجاد چنین قرعه کشی داشتند؛ پس می توان گفت بر اساس این آیات شریفه، قرعه زدن یکی از مشروعات و راه گشای مشکلات در ادیان الهی بوده است. بر این اساس، قرعه در اسلام هم همانند بسیاری دیگر از احکام، جزء مسائل امضایی اسلام می باشد.

در باب مشروعیت قرعه در اسلام همین بس که حتی در مواردی، شخص پیامبر گرامی اسلام (ص) هم از قرعه استفاده کرده است. چنانچه در مورد مشروعیت قرعه گفته شده است: «لِإِقْرَاعِ النَّبِيِّ ﷺ بَيْنَ أَزْوَاجِهِ» (عاملی (شهید اول)، القواعد و الفوائد، ۲، ۱۸۷) و نیز در بسیاری از موارد، ائمه علیهم السلام در تبیین قرعه، به آیات قرآن هم استناد کرده‌اند. از جمله آن‌ها روایت مرسله ای است که از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «ما تقارع قوم ففوضوا أمرهم إلى الله تعالى إلا ما خرج سهم الحق وقال أي فقيه أعدل من القرعة إذا فوض أمره إلى الله تعالى أليس الله تعالى يقول فساھم فكان من المذھبین» (آشتیانی، القواعد الفقهية، ۳، ۲۱۹)

حتی می‌توان گفت در شرایطی ممکن است قرعه از سرحد اباحه و صرف مشروعیت، گذر نموده و به درجه وجوب برسد؛ و آن درجایی است که تنها راه اثبات و احقاق حقیقت و احراز از سردرگمی و ایجاد تشنت در جامعه، اعمال قرعه باشد.

## ب) روایات

دلیل دیگری که در باب مشروعیت قرعه ارائه شده است، روایات فرانی است که در این باب وارد شده که تنها در کتاب عوائد الایام تا ۴۶ روایت به‌عنوان سند قرعه، ذکر گردیده است، در کتاب جامع الاحادیث الشیعه هم یک باب (باب ۳۱) را به بررسی روایات وارده در زمینه قرعه اختصاص داده است و در این باب ۳۱ حدیث را بررسی نموده است. حتی در زمینه دلالت روایات، ادعای تواتر شده و گفته شده است: «وَأَمَّا السَّنَّةُ فَقَدْ بَلَغَتْ حَدَّ التَّوَاتُرِ» (همان، ۳، ۲۱۸) که در این تحقیق مختصر به‌طور نمونه تنها چهار روایت آورده می‌شود.

۱- در روایتی از ابوالحسن علیه السلام در اینکه قرعه در چه مواردی اعمال می‌گردد پرسیدند؛ امام علیه السلام فرمودند: «کل مجهول ففیه القرعة» (وسایل الشیعه، باب ۱۳) در ادامه همین روایت حتی امام علیه السلام نتیجه قرعه را حکم خداوند متعال دانسته و در پاسخ به این پرسش راوی که آیا با قرعه هم می‌شود واقع را اثبات کرد یا ممکن است به خطا رود؟ امام علیه السلام فرمودند: «کَلِمَا حَكَمَ اللَّهُ بِهِ فَلَيْسَ بِمَخْطِئٍ» (طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۴۰۷، ۴، ۲۴۰) یعنی اینکه هرآنچه که حکم خداوند باشد خطا نمی‌رود.

۲- در روایت دیگر آمده است «و ای حکم فی الملبس اثبت من القرعه، أليس هو التفویض الی الله (جل ذکرة)» یعنی در مورد آنچه در آن التباس صورت گرفته است، چه چیزی بیشتر و بهتر از قرعه، حکم آن را اثبات می‌کند؟ (قطعاً قرعه چنین می‌کند) که قرعه جز واگذار کردن امر به خداوند نمی‌باشد.

۳- در برخی دیگر از روایات، از قرعه با عنوان سنت «القرعه سنه» یاد شده است.

۴- در نقل دیگر رسیده است که: امام علی علیه السلام به دستور پیامبر اسلام «ص» به سوی سرزمین یمن رهسپار شدند، بعد از بازگشت از یمن، رسول الله «ص» فرمودند: جالب‌ترین رخداد در این مأموریت را بازگو نمایید، امام علی علیه السلام بیان داشتند که گروهی جاریه‌ای را خریدند و همه باهم در طهر واحد وی را وطی کردند و در نتیجه این وطی، کنیز بچه‌ای به دنیا آورد ولی هرکدام از آن افراد، خود را پدر وی خواندند؛ و من میان آن‌ها قرعه انداختم و بچه را به کسی دادم که قرعه بنامش درآمد. رسول الله «ص» فرمودند: «لیس من قوم تنازعوا ثم فوضوا امرهم الی الله الا سهم المحق» (جامع الاحادیث، ۲۵،)

### ج) اجماع

دلیل دیگری که برای اثبات مشروعیت قرعه ارائه می‌شود، اجماع علماء می‌باشد که در کلام قریب به اتفاق علماء مانند ابن ادریس، شیخ طوسی، احمد نراقی و... به این اجماع پرداخته شده است. چنانچه شیخ طوسی در موارد متعدد بر مشروعیت قرعه ادعای اجماع نموده است. از جمله در باب نزاع بر سر غرفه‌ای که هیچ‌کدام از مدعی و منکر، دلیلی ندارند، قائل به قرعه شده است که با قسم آنکه قرعه به نفع او درآمده باشد نزاع به نفع او خاتمه می‌یابد؛ ایشان در دلیل این حکم آورده است: «دلیلنا: إجماع الفرقة علی أن کل مجهول يستعمل فيه القرعة، و هذا من الأمر المشته» (طوسی، الخلاف، ۱۴۰۷، ۳، ۲۹۸)

طبرسی هم در شبیه همین مسئله، قائل به قرعه شده و در مقام استدلال می‌گوید: «بدلالة إجماع الفرقة علی أن کل مجهول ففیه يستعمل القرعة» (طبرسی، المؤلف من المختلف بین أئمة السلف، ۵۷۶، ۱۴۱۰) ابن ادریس هم در صورت تقابل بینه و نبود مرجح، قائل به این است

که «فإنهم يرجعون إلى القرعة، لأن أخبارهم ناطقة متظاهرة متواترة، في أن كل أمر مشكل فيه القرعة و هم مجمعون على ذلك» (حلی، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، ۱۴۱۰، ۱، ۷۸) مرحوم آشتیانی هم در این باب آورده است: «أما أصل مشروعية القرعة فهو مما لا خلاف فيه بين المسلمين بل إجماعهم عليه بحيث لا يرتاب فيه ذو مسكة.» (آشتیانی، میرزا محمد حسن، القواعد الفقهية، ج ۳، ص: ۲۱۸)

آقای مصطفوی یکی از ادله مشروعیت را تسالم دانسته می گوید «و قد تحقق التسالم بين الفقهاء على كون القرعة طريقاً لحل مشكل الفقهاء (الشبهة) و عليه قالوا القرعة لكل امر مشكل و لاخلاف فيها بينهم» (مصطفوی، القواعد، النشر الاسلامی، ۶، ۱۴۲۷، ۱۹۲) مرحوم نراقی هم بعد از بررسی اجماع در این باب می گوید: ممکن از علماء در مصادیق قرعه و نیز موارد جزئی آن اختلاف نظر داشته باشند «إلا أنه يتحصل من اجتماعها، العلم بانعقاد الإجماع على مشروعيتها» (نراقی، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام، ۶۵۲) آقای بجنوردی نیز بعد از بررسی اجماع، ضمن جمع بندی این بحث می گوید: «و على كل حال لا ينبغي الارتياب في اعتبار القرعة و تشريعها» (بجنوردی، القواعد الفقهية، ۱۴۱۹، ۱) در نهایت باید گفت: باوجود این همه تصریحات علماء و بزرگان مبنی بر اجماعی بودن مشروعیت قرعه، شکی در مشروعیت باقی نمی ماند.

#### د) دلیل عقل و سیره عقلا

دلیل دیگری را که می توان در باب مشروعیت قرعه در فقه اهل بیت ع ارائه کرد، دلیل عقل هست. به این بیان که: اگر به عقل مراجعه شود چنین حکم خواهد کرد که در صورت اشتباه امور و عدم وجود سایر بینات برای اثبات حقیقت، بهترین راه برای اثبات حق و رسیدن صاحب حق به حقش و فرار از بلا تکلیفی، انجام قرعه می باشد. خصوصاً با توجه به اینکه در سیره و زندگی عقلای بشر هم در بسیای از موارد و منازعات عادی و شرعی، قرعه بهترین و قانع کننده ترین راه حل برای حل و فصل دعاوی میان افراد و شخص مدعی و منکر می باشد حتی اگر یک طرف نزاع، راه حل قرعه را نپذیرد از طرف عقلا مورد ملامت و رزنش قرار خواهد گرفت.

### ح) اقوال و تصریحات علما

و بالاخره یکی دیگر از طرق اثبات مشروعیت قرعه در اسلام، بیانات و فتاوی فقهای و فحول امامیه می باشد؛ که به نمونه های از آن اشاره می شود.

- شیخ طوسی رحمته الله در مورد مقدار و نحوه ارث بردن مولودی که نه شباهت به مردان دارد و نه زنان، آورده است: «و ان ولد مولود لیس له ما للرجال و ما للنساء استخرج من القرعة، فما خرج فی القرعة ورث علیه» (طوسی، الرسائل العشر، ۱۴۱۴، ۲۷۵)

- ابن براج رحمته الله هم در باب مسابقه در صورت وجود نزاع در اینکه چه کسی آغازگر می باشد، می گوید: «أقرع بینهما فمن أصابه القرعة كان هو المبتدی بالرمی» (طرابلسی، المهذب لابن البراج، ۱، ۱۴۰۶، ۳۳۴)

- محمد طوسی هم در موردی که عینی در دست فردی باشد و شخصی ادعا کند که این عین از بنده به مبلغ کذایی خریداری شده است، این درجایی است که هرکدام از مدعی و مدعی علیه بینه دارند که در نتیجه تعارض دو بینه و تساقط آن دو می گوید «فلا بد من القرعة فمن خرجت قرعته و حلف كان الحكم له فإن امتنع ردت علی صاحبه فإن حلف أخذ» (طوسی، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، ۱۴۰۸، ۲۲۴)

- علاوه بر اینکه علما قرعه را در مباحث علمی شان به وفور مطرح کرده اند، حتی در رساله های عملیه مراجع عظام تقلید، در موارد فراوان از قرعه به عنوان راهگشای بسیار ویژه استفاده شده است و در موارد متعدد مطرح کرده اند لذا در ادامه همین تحقیق بخشی با عنوان «قرعه در کلام فقهای معاصر» آورده شده است.

### و) قوانین موضوعه

با توجه به اینکه بخشی اعظم از مقررات نظام اسلامی برگرفته شده از احکام و دستورات فقه اسلام می باشد، لذا استفاده از قرعه در امور مشکله حتی در قوانین موضوعه نیز آمده است. از جمله قانون گذار ایران در قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است که «اگر دو نفر، متهم به قتل باشند، و هرکدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی

از آن دو نفر باشد، و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد، با قید قرعه، دیه، از یکی از آن دو نفر گرفته می‌شود» (قانون مجازات اسلامی م ۳۱۵) در قانون مدنی ایران هم به طور مثال در مورد دو زمینی که در دو طرف نهری مداری هم واقع می‌شود، و حق تقدم یکی بر دیگری محرز نمی‌باشد، در حالیکه هر دو نفر می‌خواهند هم‌زمان از نهر استفاده کنند و آب هم کافی و پاسخگوی هر دو نیست، برای اینکه چه کسی زودتر از آب استفاده کند باید با قرعه تعیین شود (جهانگیر، قانون مدنی ایران، ۱۳۸۵، ۲۵، م ۱۵۷) در جمع بندی می‌توان گفت: با وجود ادله و مستندات فوق، مشروعیت قرعه در فقه اهل بیت، یکی از مسلمات و مورد تأیید اسلام هست. که با وجود شرایط لازم، از قرعه به عنوان راهگشا استفاده می‌گردد کما اینکه در طول تاریخ چنین بوده است.

### ۳- موارد قاعده قرعه

آنچه از امور که مورد قرعه قرار گرفته و در تعیین آن قرعه‌کشی صورت می‌گیرد، در یک تقسیم بندی کلی می‌تواند دارای دو صورت ذیل باشد:

#### الف) دارای واقع معین

آنچه در مورد آن قرعه زده می‌شود، گاهی دارای واقع معین است ولی در ظاهر مشتبه هست؛ که آیه شریفه «فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ» (صافات/ ۱۴۱) بیانگر همین مورد می‌باشد، چون با توجه به مورد آیه، مسلماً فردی فراری‌ای (که در برخی از روایات از یونس به عبد آبق تعبیر شده است) در میان سواران بر کشتی وجود داشته است که موجب توقف کشتی و یا پیدایش ننگ گردیده است. و مثال عرفی این مورد عبارت است از اینکه در میان گله‌ای از گوسفندان، گوسفندی موطوئه به صورت یقین وجود دارد.

#### ب) دارای واقع مجهول

گاهی، هم در واقع و هم در ظاهر، نامعلوم هست که آیه شریفه «ماكنت لديهم اذيلقون اقلامهم ايهم يكفل مریم» (آل عمران/ ۴۴) بر چنین موردی دلالت می‌کند، چون که نه در

ظاهر کفیلی برای مریم وجود داشت و حسب فرض، در واقع هم‌چنین نبوده است. مثال ساده آن اینست که در مورد خاصی مولایی بگوید از میان ده بنده ام دوتایی از آنان را آزاد کنید بدون اینکه فردی خاصی مورد نظرش بوده باشد که با قید قرعه تعیین می‌شود.

حال آنچه در این باب باید دانست این است که: مشروعیت که در بالا به اثبات رسید، شامل هردوی این مورد می‌باشد و در نتیجه برای اثبات و تعیین هرکدام می‌توانیم راه قرعه را بپیماییم. دلیل این مطلب تصریحات فقهای عظام می‌باشد. از جمله مولی احمد نراقی در عواید الایام در این باب آورده است: «أنّ کل ما ثبت له بخصوصه حکم شرعی، أو وضعی، أو عرفی، أو عقلی، أو لغوی، فیما یکون العرف أو العقل أو اللغه فیہ حجة، فهو لیس من مورد القرعة.» (نراقی، عوائد الایام فی بیان قواعد الأحکام، ۶۶۱) که بر این اساس مورد قرعه آنجاهایی است که دارای حکمی معین نباشد؛ ایشان در ادامه طی جمع‌بندی آورده است: «قد ظهر... شرعية القرعة فی موردین: أحدهما: فی کل أمر معین فی الواقع مجهول عندنا، و لم یبین حکمه بدلیل آخر. و ثانيهما: فی کل أمر مردد بین شیئین، أو شخصین، أو أكثر، غیر معین فی الواقع، یطلب فیہ التعمین. و قد ثبت جواز القرعة شرعا فی کل من القسمین و مشروعیتہ.» (پیشین، ص: ۶۶۳)

بحث دیگری که متفرع بر همین بحث است، دامنه قرعه در شبهات حکمیه و موضوعیه می‌باشد که به دلیل اهمیت، طی بخش جداگانه‌ای مروری مختصری خالی از ثمر نخواهد بود.

#### ۴- دامنه دلالت قرعه در شبهات حکمیه و موضوعیه

یکی از مباحث مطرح در باب قرعه این است که آیا مشروعیت آن شامل هرکدام از شبهات حکمیه و موضوعیه می‌شود یا اینکه اختصاص به یکی از آن دو دارد؟ که مخلص و فشرده بحث آورده می‌شود.

واقعیت از این قرار است که مسلماً این مشروعیت در شبهات بدویه حکمیه نه تنها معنا ندارد بلکه شمول آن از مضحکات به نظر می‌رسد. چون با وجود ادله مانند برائت و... معنا ندارد که در صورت شک در اینکه فلان عمل از واجبات است یا محرمات، با انداختن قرعه، تعیین

تکلیف نموده و حکم آن را به دست آوریم. چنانچه شهید اول عدم جریان قرعه در فتاوا و تعیین احکام را اجماعی دانسته است؛ ایشان ضمن برشمردن برخی از موارد قرعه در امور عبادی در ادامه آورده است: «و لا تستعمل فی العبادات فی غیر ما ذکرنا، و لا فی الفتاوی، و الأحکام المشتبه، إجماعاً» (عاملی، القواعد و الفوائد، ۲، ۲۳)

اما در مورد شبهات موضوعیه؛ آن طوریکه برخی از بزرگان با استفاده از ادله مشروعیت قرعه تحلیل نموده‌اند، تنها صورت شبهه موضوعیه مقرون به علم اجمالی که در مورد آن احتیاط یا غیر ممکن و یا بسیار مشکل باشد را شامل می‌شود، آقای بجنوردی می‌نویسد: «ان مورد القرعة هی الشبهة الموضوعیه المقرونة بالعلم الاجمالی الذی لایمکن فیه الاحتیاط او لایجوز و ان کان ممکنا و...» (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۱، ۶۷) به عنوان مثال در مورد غنم موطوئه که در میان گله‌ای از گوسفند وجود دارد، احتیاط امکان ندارد، چون مقتضای احتیاط، اجتناب از تمامی گوسفندان است که نه کار عاقلانه است و نه عادلانه هست؛ بناء در همچون موردی نوبت به قرعه می‌رسد که با قید قرعه، بر گوسفند منتخب، حکم موطوئه بار می‌شود.

در بحر الفوائد هم به طور کلی اختصاص قرعه به شبهه موضوعیه اجماعی تلقی شده و آمده است: «لا إشکال بل لاختلاف فی اختصاصها بالأولی (السببات الموضوعیه الصرفة) بل الإجماع المحقق علی الاختصاص أيضا» (القواعد الفقهیه ج ۳، ص ۲۲۰) و هم چنین آنطوریکه از فاضل لنکرانی حکایت شده است، ایشان هم بر این باور بوده‌اند که «ان مورد القرعة و محل جریانها هو موارد تراحم الحقوق و عدم ثبوت مرجح لاحدهما علی الآخر و هذا هو الجامع بین جمیع الموارد التي حکم فیهما القرعة بینهما» (کریمی، قاعدة القرعة، ۵۴) بالأخره مرحوم نراقی هم در این باب آورده است: «انتفاء القرعة فی تعیین الأحکام الشرعیة و الوضعیة لموضوعاتها مطلقا، لأنها بکلیتها إمّا له حکم مخصوص فیتبع، أو لا یرجع فیه إلى الأصل، أو الحالة السابقة، أو التخییر، للأدلة الدالة علیها» (نراقی، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، ۶۶۲)

بررسی یک اشکال: در صورتی که گفته شود که: الفاظ و عناوین که در روایت و مستندات

قرعه آورده شده است؛ از قبیل: «القرعه لكل امر مشكل، مجهول، مشتبه، ملتبس، معطل و...» همگی دارای مفهوم عام و گسترده بوده و در نتیجه تمامی انواع شبهه اعم از حکمیه و موضوعیه را با انواع و اقسامش شامل می‌شود. پس این خود بهترین دلیل بر شمول قرعه تمامی انواع شبهات می‌باشد

### ۵- اماریت قرعه

بحث مهم دیگری که در باب قرعه وجود دارد این است که آیا قرعه از امارات هست یا اینکه جزء اصول عملیه بوده و فقیه در صورت که دستش از امارات کوتاه شد، به آن مراجعه می‌کند؟ در تبیین باید گفت در این زمینه هر دو احتمال وجود دارد؛ اما اماره بودن قرعه پشتوانه بیشتر دارد در این میان بهترین دلیل برای اثبات این ادعا وجود مجموعه از روایاتی است که نقل شده است. خصوصاً این حدیث شریف که در آن آمده است: «ما حکم الله به فلیس بمخطئ» که ظهور دارد بر اینکه قرعه بیانگر حکم واقعی هست و انسان را به خطا رهنمون نمی‌سازد در حالی که اصول عملیه صرفاً راهگشا و بیانگر حکم ظاهری بوده است و مسلم است در صورتی که با انجام قرعه راهی به سوی واقع باشد، دیگر دلیلی ندارد که با استفاده از اصول عملیه، حکم ظاهری را اتخاذ کنیم. به علاوه، اینکه در تعریف اصل آمده است الاصل دلیل حیث لا دلیل له هم با اماریت قرعه سازگاری دارد؛ بدین ترتیب هر چند با وجود ادله مثبت دعوا و... نوبت به قرعه نمی‌رسد ولی این به آن معنا نیست که از محدوده ادله، به وادی اصول عملیه راه یابد به تعبیر آقای آشتیانی «فالقرفة إذا مثل البينة فی کونها من الأمارات لا مثل أصالة الظهارة و الحلیة و نحوه من الأصول» (آشتیانی، القواعد الفقهية، ج ۳، ۲۱۹) به عبارت دیگر قرعه هم همانند بینه و... بیانگر واقع می‌باشد حال ممکن این ناشی از ذات او باشد یا به جعل شارع مقدس.

### ۶- وظیفه مکلف بعد از قرعه

یکی از مباحث کاربردی و مطرح در باب قرعه این است که بعد از اعمال قرعه، چه وظیفه‌ای

متوجه مکلف می‌شود؟ آیا عمل به نتیجه قرعه واجب است؟ یا اینکه صرفاً جنبه اباحه و مشورتی دارد و بس؟

در جواب باید گفت: در صورتی که موارد قرعه دارای واقع معین بوده ولی در ظاهر مشتبه می‌باشد، «فلا ینبغی الریب فی کونها لازمة لا یجوز التخلّف عن مقتضاها بعد وقوعها» (نراقی، عوائد الایام فی بیان قواعد الأحکام، ۶۶۷) به دلیل اینکه حسب فرض و با توجه به مقتضای روایات مستفیضه، با انجام قرعه حقیقت آشکار می‌گردد حال چه حق‌الله باشد و چه حق‌الناس، باید هر حقی به صاحبش برسد و بدون رضایت صاحبش تخطی از حق جایز نیست. در موارد که با انجام قرعه تعیین ولد صورت می‌گیرد اساساً حتی با رضایت طرفین هم عمل به مقتضای قرعه واجب می‌باشد و احکام والد و ولد و... بر آن بار می‌شود. در صورتی که دارای واقع معین نباشد، هر چند مقتضای اصل، عدم وجوب عمل می‌باشد؛ اما با اقراع، حقی به وجود می‌آید که به خودی خود تخطی از آن جایز نمی‌باشد در نتیجه بازهم عمل به مفاد قرعه واجب خواهد بود. به عبارت دیگر «أن مقتضی الاستصحاب لزومها حیثئذ ایضاً، فتکون لازمة.» (پیشین، ص ۶۶۷)

از همه بهتر کلام صاحب‌العناوین می‌باشد که ایشان بر این باور است که با توجه به اینکه اعمال قرعه در مشکلات می‌باشد پس عمل به قرعه لازم است و ضرورت دارد؛ اما اینکه عمل به آن واجب هم هست یا نیست تابع حکم اعمال آن می‌باشد؛ یعنی اگر در مواردی اعمال قرعه واجب باشد، عمل به مفادش هم واجب می‌باشد. ایشان فرمودند: «فالقوی لزوم القرعة وانها عزیمة و لامناص علی لزوم العمل بها. اما وجوب العمل بعد إعمالها فرع وجوب الإعمال و الاکان التخییر باقیاً» (مراغی، العناوین الفقهیة، ۱۴۱۷، ۱، ۳۶۹)

## ۷- انجام قرعه و وظیفه کیست؟

بحث دیگری که در باب قرعه مطرح می‌باشد این است که آیا قرعه توسط افرادی خاصی مانند امام علیه السلام و نواب خاص و یا عام (مجتهدین) باید صورت بگیرد؟ یا اینکه عموم مسلمین در صورت لزوم حق دارند از قرعه استفاده نموده و مشکلات و معضلاتشان را حل و فصل نمایند؟

برخی از بزرگان به این نتیجه رسیدند که در اصل قرعه اختصاص به امام و نواب خاص و عام وی دارد که و در موارد خاصی مانند تعیین برتری شاگردی بر شاگرد دیگر و تعیین برخی همسران و... ممکن است از این اصل عدول شده و انجام قرعه همگانی شود. (نراقی، عواند الایام فی بیان قواعد الأحکام، صص ۵۵ - ۵۸) کما اینکه آقای سیستانی هم در مواردی قرعه را احتیاط کردند (سیستانی، ۱۸۲۷) ولی به نظر می‌رسد اگر این مسئله را با استفاده از تمامی ادله مشروعیت قرعه، بررسی کنیم به نتیجه دیگر خواهیم رسید.

اما از منظر آیات، همگانی بودن قرعه کاملاً روشن می‌باشد، چون در هر دو آیه «فساهم» و «یلقون» آمده است که دیگران قرعه انداختند.

اما از لسان روایات، در بدو امر، دو احتمال متصور است؛ به این بیان که با توجه به اینکه در برخی از روایات آمده است «القرعه لاتکون الا للامام» اختصاصی بود قرعه مستفاد است؛ ولی به لحاظ اینکه در برخی از روایات کلمه قوم آمده است و نیز با لحاظ اطلاق اکثر روایات، می‌توان گفت قرعه اختصاصی نیست بلکه وظیفه همگانی می‌باشد. که به نظر می‌رسد بر اساس روایات هم عمومیت، بر اختصاصی بودن برتری دارد. چون‌که:

- اولاً "روایات که در آن کلمه قوم و مانند آن به‌کاررفته است بیشتر از روایات اختصاصی بودن است.

- ثانیاً "روایات زیادی هم به‌صورت مطلق آورده شده است که بازهم با توجه به اطلاقتشان، بیانگر همگانی بودن قرعه هست.

- ثالثاً "باوجود روایات فراوانی که عموم را مطرح می‌کند اگر آن را با یکی دو روایت، تخصیص زده و قرعه را اختصاص به امام بدهیم، موجب تخصیص اکثر می‌شود.

از منظر اجماع هم همگانی بودن آن متصور است به دلیل اینکه در حکایات و اقوال علماء هیچ اشاره‌ای بر خاص بودن قرعه نشده است. هم‌چنین در تصریحات فقها هم چنین چیزی نیامده است.

دلیل عقل هم نه‌تنها اختصاصی بودن را اثبات نمی‌کند بلکه عقل می‌گوید در صورت وجود شرایط، باید از قرعه استفاده شده و جامعه از تحیر رهانده شود و دلیلی ندارد که قرعه را

اختصاص به امام و یا نواب او بدانیم.

**نتیجه اینکه؛** ادله همگانی بودن قرعه، بر اختصاصی بودن آن برتری دارد؛ در نتیجه مسلمانان در شرایطی که موارد قرعه محرز باشد می‌توانند اعمال قرعه نمایند. منتهی برای فرار از ایجاد هرج و مرج در جامعه، باید قائل به تفصیل شد؛ به این صورت که در امور عادی از قبیل مسابقات و... قرعه برای همگان و بلکه وظیفه آنان می‌باشد. اما در امور مهم از قبیل تعیین والد و سایل حقوقی کلان، قرعه‌کشی باید در منظر مراجع ذی‌ربط اعم از دینی و دولتی انجام بگیرد.

### ۸- قرعه در کلام فقهای معاصر

مسئله مشروعیت و استفاده از قرعه تنها یک بحث علمی نیست؛ بلکه مراجع تقلید هم عملاً و در موارد بسیار فراوان نه تنها بهره‌بری از قرعه را کاملاً مجاز دانسته‌اند بلکه در مواردی قرعه‌کشی ضرورت داشته و به سرحد وجوب خواهد رسید. که در این بخش به صورت بسیار کوتاه و گزیده، به بخشی از فتاوا در این باب اشاره می‌شود.

#### الف) مسائل مربوط به نماز

حضرات امام علیه السلام، تبریزی، روحانی، سبحانی، سیستانی، شاهرودی محقق کابلی، و بسیاری دیگر از مراجع، در رساله‌های عملیه شان در مورد تعیین پسر بزرگ‌تر که ادای نمازهای پدر را به عهده دارد به این مضمون آورده‌اند که: «اگر معلوم نباشد که پسر بزرگ‌تر کدام است، قضای نماز و روزه پدر بر هیچ‌کدام از پسرها واجب نیست ولی احتیاط مستحب آن است که نماز و روزه او را بین خودشان قسمت کنند یا برای انجام آن قرعه بزنند» (خمینی روح الله، توضیح المسائل، ۱۳۷۵ش، ج ۶، ص ۱۸۸، م ۱۳۹۳، سیستانی سید علی، توضیح المسائل، ۱۴۱۳ق، ص ۲۹۸، م ۱۴۰۲، شاهرودی حسینی سید محمد، رساله توضیح المسائل، ۱۳۷۶ش، ج ۶، ص ۲۶۴، م ۱۴۰۲، محقق کابلی، رساله توضیح المسائل، ۱۳۸۶ش، ج ۲۲، ص ۲۹۵، مسأله ۱۴۴۰) هم چنین آقای بهجت در مسئله تنازع مؤذنین در اذان، فرمودند... بالاخره اگر از هر جهت متساوی شدند، با قرعه تعیین می‌شوند.

نیز ایشان در باب تعیین امام جماعت در صورت تساوی در احتمال مرجحات نه در خود مرجحات یعنی آنجایی که واقع مجهول باشد می‌گوید «دور نیست که تعیین و ترجیح با قرعه بشود»

### ب) اموال و مالکیت

حضرت امام علیه السلام، سبحانی، محقق کابلی، فاضل لنکرانی، خویی و بسیاری از دیگر مراجع، در مورد مال حلالی که با حرام مخلوط شده و مقدار حرام معلوم نباشد و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست ولی نتواند ولی معینا نداند کام یک هست، به احتیاط واجب باید از تمام آنان تحصیل رضایت نماید، و اگر ممکن نگردید باید قرعه بیندازد و به نام هر کس افتاد مال را به او بدهند. (توضیح المسائل مراجع، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۷۷، ۲، ۵۲)

همچنین آقای سیستانی در مسئله مشابه می‌گوید: «ظاهر آن است که صاحب آن مال به قرعه تعیین می‌شود، و احتیاط آن است که حاکم شرع یا وکیل او متصدی قرعه باشد» (سیستانی، توضیح المسائل، ۱۴۱۳، ۳۷۴، م ۱۸۲۷) همچنین در نظر آقای وحید هم درباره سرمایه مضاربه که نزد عامل باشد و بمیرد ولی عین آن معلوم نباشد، باید به قرعه معین شود، یا مالک با ورثه عامل مصالحه کند (وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، م ۲۲۸۹) فاضل لنکرانی هم در مورد حیوان موطوئه که بین حیوانات دیگر مخلوط و مشتبه شده باشد می‌گوید: «باید به وسیله قرعه آن را معین کنند» (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰، ۵۶۶، ۲۷۸۳)

### ج) مسائل بانکی

هم چنین مراجع عظام تقلید در مورد جایزه‌هایی که بانک‌ها و یا مؤسسات دیگر برای تشویق قرض دهنده یا تشویق خریدار و مشتری می‌دهند، این‌گونه جوایز را با قرعه‌کشی، حلال دانسته‌اند. (خمینی، توضیح المسائل، م ۲۸۵۸) البته برخی، برای دریافت جایزه از سوی بانک که قرعه‌کشی شرط نشده باشد، اذن حاکم را احوط دانسته است. از مقام معظم رهبری در مورد اشیاء که به شرط قرعه‌کشی به انسان فروخته می‌شود پرسیدند، ایشان فرمودند: «اگر انعقاد بیع بعد از اصابت قرعه به نام شما باشد، آن معامله و استفاده از مبیع اشکال ندارد»

#### د) تعیین ولد

آقای روحانی در موردی که نطفه دو مرد یا بیشتر را به زنی تزریق کنند و او حامله شود و احتمال اینکه بچه از شوهرش باشد منتفی باشد یا اصلاً شوهر نداشته باشد؛ می‌گوید: «ظاهراً در این فرض پدر بچه را با قرعه باید تعیین کرد» (روحانی، رساله توضیح المسائل، م ۴)

نتیجه اینکه: قرعه در فتاوی مراجع عظام تقلید هم بسیار فراوان بکار رفته است. ضمن اینکه آنچه بیان شد تنها بخشی بسیار اندکی از فتاوا بود و گرنه بیان تمامی فتاوی آنان، تحقیق مستقلی را می‌طلبد.

#### ۹- نتیجه

- ✓ با استناد به ادله معتبر (کتاب، سنت، اجماع، عقل، تصریح فقها و قوانین موضوعه)، قرعه از منظر فقه اهل بیت ع، یکی از راه‌های اثبات معضلات، امور مشکل و متنازع‌فیه البته در شبهات موضوعیه، هست و به همین منظور تشریح شده است.
  - ✓ ضمن اینکه قرعه، هم در امور که دارای واقع مجهول باشد جریان دارد و هم آنچه واقع معین ندارد و وظیفه مکلف هم در هر دو حالت، ضرورت عمل به محتوای قرعه می‌باشد.
  - ✓ در اینکه قرعه حتماً باید توسط امام علیه السلام و یا نواب وی انجام بگیرد، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی به نظر می‌رسد که در امور کلان و مهم (مانند تعیین ولد و...) باید قرعه به صورت رسمی توسط مجتهد و... انجام بگیرد ولی در امور عادی و روزمره، همه مجاز به اعمال قرعه می‌باشند.
  - ✓ فقهای معاصر هم در موارد بسیار فراوان اعم از امور عبادی، اقتصادی، نسبی و... قرعه را راهگشا دانسته و به انجام آن فتوا دادند.
- استفاده از قرعه در مواردی که اثبات حق و رهایی از سردرگمی منحصر به آن باشد، واجب خواهد بود.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

آشتیانی میرزا محمدحسن، القواعد الفقهية (بحر الفوائد)، انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی ره، قم، ۱۴۰۳ق.

بجنوردی سید محمد حسین، القواعد الفقهیه، نشر الهادی، قم، ۱۴۱۹ق

بنی هاشمی خمینی (گیر آورنده)، توضیح المسائل مراجع، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۷۷ش.

جهانگیر منصور، قانون مدنی ایران، نشر دوران، تهران، ۱۳۸۵ش.

حلی (ابن ادریس) محمد بن منصور، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۰ق.

خامنه ای سید علی، راله اجوبه استفتائات، (ترجمه فارسی)، انتشارات بین المللی هدی، ۱۳۸۳ش.

خمینی روح الله، توضیح المسائل، نشر روح، ۱۳۷۵ش، چ ۶، ص ۱۸۸، م ۱۳۹۳

راغب اصفهانی حسین، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیة، بیروت، ۱۴۱۲ق، تحقیق: صفوان عدنان.

سیستانی سید علی، توضیح المسائل، مهر، قم، ۱۴۱۳ق.

شاهرودی حسینی سید محمد، رساله توضیح المسائل، آل مرتضی، قم، ۱۳۷۶ش، چ ۶.

طبرسی امین الإسلام، المؤلف من المختلف بین أئمة السلف، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، چ: اول، ۱۴۱۰ق.

طرابلسی ابن براج، المهذب (لابن البراج)، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، اول، ۱۴۰۶ هق.

طوسی ابو جعفر، محمد بن حسن، الرسائل العشر (للشیخ الطوسی)، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۴ق.

طوسی محمد، الوسيلة إلى نیل الفضيلة، انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، قم، چ: اول، ۱۴۰۸ هق.

طوسی، ابو جعفر، محمد، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، چ:

اول، ۱۴۰۷ ه.ق.

طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ه.ق، چ: ۴، تهران.  
عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، ۲ جلد، کتابفروشی مفید، قم، اول، ه.ق.  
عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، کتابفروشی مفید، قم - ایران، اول، ه.ق.  
فاضل لنکرانی، رساله توضیح المسائل، چاپ مهر، ۱۳۸۰، چ: ۷۳.

کریمی حسین، قاعده القرعه، مرکز فقه الأئمة الاطهار، ۱۴۲۰ ق.

محقق کابلی، رساله توضیح المسائل، انتشارات دار النشر الاسلام، قم، ۱۳۸۶ ش، چ: ۲۲ و  
مراغی، سید میر عبد الفتاح، العناوین الفقهیة، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۷ ه.ق.  
مصطفوی سید محمد کاظم، القواعد، النشر الاسلامی، ۱۴۲۷ ق.

مکارم، استفتانات.

منصور جهانگیر، قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، نشر دیدار، ۱۳۹۳ ش.

مهیار رضا، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، بیجا، بیتا.

نراقی مولی احمد، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم،  
۱۴۱۷ ه.ق، قم.

وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل.